



یادداشت

رهبران اعتصاب گرفتار دام تفرقه دولت نخواهند شد!

صادق کار



یازده روز پس از شروع اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های صنعت نفت بالاخره سکوت دولت در مورد این اعتصاب شکست و روحانی و وزیر نفت نظر دولت در مورد آن را اعلام کردند. روحانی با تقسیم کارگران نفت به خودی و ناخودی، مکارانه و با همان شگردهای شناخته شده مخصوص خود، پس از این تقسیم بندی که با نیت تفرقه افکنی انجام داد، به تجلیل از کارگران رسمی پرداخت و به آنها قول داد که همه خواسته های آنها را برآورده نماید و خطاب به کارگران رسمی گفت: "امروز در جنوب کشور بحثی در خصوص حقوق کارگران صنعت نفت مطرح است که مشکلی در قانون بودجه به وجود آمده بود که من به کارگران صنعت نفت قول می‌دهم که مشکل آن ها حل خواهد شد و نمی‌گذاریم از نظر حقوق و دستمزد مشکل محدودیتی داشته باشند."

اما او بالحنی بسیار تحقیر آمیز که حاکی از خشم پنهان روحانی از اعتصاب کارگران پیمانی بود، با خواسته های آنها برخورد کرد وجود کارگران پیمانی و پروژه های را که در واقع بیشترین زحمت گردش کار صنعت نفت و پتروشیمی را به عهده دارند بعنوان نیروی کار صنعت نفت انکار کرد! روحانی در قسمت دیگری از سخنان اش اساسا وجود اعتصاب ۶۰ هزار کارگر را منکر شد و از خود در قبال آنها رفع مسئولیت کرد و حاضر نشد در مورد خواسته های آنها مسئولیتی بپذیرد و از این اعتصاب به نام "مشکلاتی" نام برد. روحانی گفت: "برخی از کارکنانی که در اختیار پیمان کاران هستند اگر مشکلاتی دارند به وزیرکار دستور می‌دهم پیگیری کند چرا که این ربطی به وزارت نفت ندارد. در اینجا اعلام می‌کنم هیچ مشکلی در تولید، انتقال و توزیع و صادرات نفت نداریم." او به خیال خودش با گفتن این جمله آخر تصور کرد با پاک کردن صورت مسئله آن را حل کرده است.

زنگنه وزیر نفت روحانی نیز خواسته های کارگران پیمانی را فراقانونی و بی ربط با برنامه بودجه خواند و گفت: "مشکل این افراد ارتباطی به قانون بودجه ۱۴۰۰ ندارد و مربوط به قانون کار است. لذا طبق قانون کار هر



آنچه به آن‌ها تعلق بگیرد را پرداخت می‌کنیم، اما درخواست‌های فراقانونی آن‌ها مسئله دیگری است." زنگنه اما نگفت کدام یک از خواسته‌های کارگران به زعم او فراقانونی است و آنهایی که قانونی هستند و به آنها تعلق می‌گیرند که تا کنون به کارگران پرداخت نکرده‌اند کدامند.

زنگنه برای اینکه هم از دادن وعده مشخص به کارگران پیمانی اجتناب کرده باشد و هم با فراقانونی افکار عمومی را که می‌داند نسبت به این اعتصاب حساسیت دارد از واقعیت قضایا منحرف کند، با فراقانونی خواندن مطالبات کارگران سعی کرد بی‌پاسخ گذاشتن مطالبات کارگران را به دلیل قانونی نبودن آنها بگذارد.

این فراقانونی در حالی است که اولاً هیچ کدام از خواسته‌های کارگران پیمانی بر خلاف گفته زنگنه فراقانونی نیستند، ثانیاً تغییر در برنامه بودجه جز درخواست‌های کارگران پیمانی نبوده است و استناد به آن توسط زنگنه یک فریبکاری بیش نیست. شورای هماهنگی اعتراضات کارگران پیمانی در هیچ یک از چهار بیانیه‌ای که تا کنون منتشر نموده نیز هیچ اشاره‌ای به رابطه این اعتصاب به اصلاح برنامه بودجه نکرده است. منتهی زنگنه می‌خواهد موافقت با درخواست رسمی‌ها و رد درخواست‌های پیمانی‌ها را با این روش توجیه نماید. سخنان توهین آمیز روحانی و اظهارات زنگنه نسبت به پیمانکاران گرچه پیوستن کارگران رسمی به کمپین ۱۰-۲۰-۱۴۰۰ را فعلاً منتفی کرد، ولی با خشم و انزجار کارگران پیمانی مواجه شد.

با این همه نه زنگنه و روحانی و نه صاحبان شرکت‌های پیمانکاری با انکار واقعیات و وارونه کردن آنها نه می‌توانند افکار عمومی را منحرف کنند و نه بکلی خواسته‌های کارگران پیمانی را بی‌پاسخ بگذارند. وضعیت کنونی آنها و موقعیت اعتصابیون این اجازه را به آنان نمی‌دهد. عقب نشینی دولت در مقابل کارگران رسمی و موافقت با افزایش دستمزد آنان به واقع نخستین دست آورد اعتصاب کارگران پیمانی برای همکاران رسمی‌شان و برای کل کارگران نفت است. حکومت فریبکار حالا که در اثر فشار اعتصاب مجبور به پذیرش خواسته‌های کارگران رسمی شده است می‌خواهد این دست آورد را وسیله ایجاد تفرقه میان کل کارگران نفت نماید. رهبران اعتصاب اما آگاه‌تر از آن هستند که خود را در این دام گرفتار کنند.

اما روحانی نگفت اگر رئیس جمهور و دولت مسئولیتی در قبال بالغ بر ۱۰۰ هزار کارگر پیمانی و غیر رسمی نفت ندارند، پس چه کسی مسئول پیگیری حقوق آنهاست؟ اظهارات روحانی و زنگنه سیگنالی است به صاحبان شرکت‌های پیمانکاری و نیروهای امنیتی برای بازگذاشتن دست آنها در سرکوب کارگران و دفاع از حکمرانی بی‌قانونی در این شرکتها که دولت روحانی و زنگنه بر مناطق "آزاد" حاکم کرده‌اند. زنگنه در حالی بیشرمانه صحبت از قانون کرد و سعی نمود با توسل به حربه ی قانون که اساساً در مناطق نفتی وجود خارجی ندارد بر رفتار استثمارگرانه و ستمگرانه آقازاده‌های حاکم بر مناطق نفتی با کارگران سرپوش بگذارد، که با وجود گذشت بیش از یک سال از صدور بخشنامه وزارت نفت در مورد اجرای طبقه بندی مشاغل که یکی از خواسته‌های کارگران اعتصابی است، طبقه بندی هنوز در اکثر شرکتها یا اجرا نشده است و یا به شکلی اجرا گردیده که سر و صدای کارگران را درآورده است. شکایات پیاپی کارگران شرکتها به وزارت نفت و ادارات کار برای اجرای درست و قانونی طبقه بندی بی‌نتیجه مانده‌اند! در دولت روحانی زمانی که کارگران برای پیگیری حقوق‌شان به ادارات کار و نهادهای دولتی مراجعه می‌کنند هیچ یک به شکایات آنها رسیدگی نمی‌کنند، اما وقتی کارگران ناگزیر به اعتصاب می‌شوند به او می‌گویند شکایت‌اش را چرا بطور قانونی پیگیری نمی‌کنند! این در حالی است که دستور



رسیدگی نکردن به شکایات کارگران از کارفرمایان متخلف از پیش به دستور مقامات بالادستی و برای وادار کردن کارگران به تمکین از کارفرمایان صادر شده است. در مناطق "آزاد" نیز بی قانونی کامل حکمفرماست و دولت از آن بطور دربست حمایت می کند. آری رئیس جمهوری که با پز "سرهنگ نیستم، حقوقدادم" رئیس جمهور شد در طی هشت سال تسلط اش بر دولت روی سرهنگان و سرداران رقیب خودش را در قانون شکنی و سرکوب محیلانه زحمتکشان سفید کرد!

تکه تکه کردن صنعت نفت، به صدها شرکت پیمانکار و سپردن آنها به آقازادگان دلال و ابداع انواع قراردادهای کاری برای از بین بردن حقوق کارگران و مصادره ثروت ملی نفت توسط ایادی حکومت از ابتدا موازی با ملغی کردن قوانین و با هدف تثبیت تسلط شرکتهای پیمانکاری پیش برده شد. حال این اعتصاب و تقاضای احیای حقوق کار توسط اعتصابیون سلطه بلامنازع مافیای حاکم بر صنعت نفت و این این نظم جهمی را، به مبارزه طلبیده است. خشم و نفرت شیخ نئولیبرال و شیخ الوزرای او از کارگران اعتصابی تا حد انکار واقعیت وجودی آنها، بهمین خاطر است. این که آنها در روزهای پایانی دولت شان نیز حاضر به دست کشیدن از تحقیر و توهین و سرکوب کارگرانی که ثروت و قدرت و زندگی های مجلل شان را مدیون کار و زحمت آنها هستند نیستند، بخاطر بیم از تهدیدی است که از جانب کارگران نظم جهمی شان را تهدید می کند. برای آنها مهمتر از مسند و وزارت بقای نظم است که به قیمت فقر و فلاکت مردم و راندن ۶۰ میلیون ایرانی به زیر خط فقر بر پا داشته اند. با وجود این نظم آنها می توانند قدرت و ثروت شان را حفظ و بر آن بیفزایند، اما بدون این نظم هیچ نیستند. هیچ!



© telegram.me/s/ettehad

به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



تجربه تعاونی موندراگون بخش سوم

خابیر باراندیاریان و خاویر لزاون



زمینه های بنیانگذاری و ارزشهای ناظر بر آن - ادامه

گفته شد که در سال 1987، چندین دهه پس از تجربه تعاونیها و بیش از ده سال پس از مرگ آریزمندیاریتا (1976) جنبش موندراگون دست به تدوین فلسفه خود زد. در این سال بود که نخستین کنگره تعاون (Co-Operative Congress)* راهنمای تجربه تعاونی موندراگون را، که سندی شامل ده اصل بود، به تصویب رساند. اصول جنبش اینها بودند:

عضویت آزاد: محدودیتی برای عضویت کسانی که می خواهند در تجربه موندراگون سهمی باشند، مشروط به احترام به اصول پایه ای آن، وجود ندارد؛

سازمان دموکراتیک: برابری کارگران عضو تعاونی، که در انتخاب تمامی ارگانهای نماینده تعاونی مبتنی بر هر عضو یک رأی متجلی می شود؛

اختیار کار: کار عامل تحول آفرین در جامعه و در وجود انسانی، و بنابراین پایه توزیع ثروت است؛

جوهر ابزاری و تبعی سرمایه: سرمایه یک ابزار است و و باید تابع کار باشد؛

خومدیریتی: کارگران عضو تعاونی باید به امکانات و مکانیسمهای مشارکت در مدیریت شرکتها تجهیز شوند؛

همبستگی در دستمزدها: پرداخت عادلانه و منصفانه مزد کار؛

همبستگی درونی: تعهد به تعاونی در مناسبات با دیگر شرکتهای تعاونی؛

تحول اجتماعی: تعهد به تحول جامعه با پیگیری آینده ای آزاد، عادلانه و همبسته؛

جهانگرایی: تجربه موندراگون بخشی از تلاشی وسیع برای صلح، عدالت و توسعه جنبش بین المللی تعاونی است؛



آموزش: تعهد به تخصیص منابع انسانی و مالی لازم برای آموزش تعاونی.

این ده اصل، به عنوان ارزشهای پایه ای جنبش موندراگون، چکیده دیدگاه های گفته شده آریزمندیاریتا اند. البته ارزش این اصول به عنوان توصیف اخلاق عملی ده هاهزار کارگر سازنده تعاونیهای موندراگون، موضوع پیچیده تری است. هراس سایزاربیتوریا (Heras Saizarbitoria) در سال ۲۰۱۴ تحقیقی انجام داده است در این باره که اعضای "معمولی" تعاونی این اصول و منشور تعاونی را چگونه تفسیر می کنند. بنا به این تحقیق، فاصله قابل توجهی بین ایده آلهای منعکس در اصول فوق الذکر و زندگی روزمره تعاونی وجود دارد. سایزاربیتوریا توضیح می دهد که اغلب کارگران عضو این یا آن اتحادیه، منشور تعاونی را خطابه ای سازمانی، بخشی از درآمد رسمی سازمان کلان موندراگون، ناظر به ایده تعاونی و نه در ارتباط مستقیم با تعاونی مشخص خودشان تلقی می کنند: خطابه ای کمابیش منفک از امور جاری تصمیم سازی روزمره. تایلور نیز در تحقیق مشابهی در سال ۱۹۹۴ چگونگی و حدود تأثیر منشور را در موضوع "کارایی" تصمیم سازی دموکراتیک در تعاونیهای موندراگون بررسی کرده است.

این فاصله بین آرمانها و زندگی سازمانی روزمره ابعاد نسلی پر قوتی دارد: در حالی که نسل بنیانگذار موندراگون، به این اصول دهگانه به عنوان بشارتی از یک زندگی تعاونی تجربه شده می نگرد، گروه های جوانتر اعضای تعاونی آنها را به طور فزاینده ای به عنوان بخشی از "خودنمایی" (عرض اندام) تعاونی موندراگون می فهمد. چنی (Cheney) نیز در گزارش تحقیق خود در باره موندراگون، که در سال ۱۹۹۹ انجام داده است، می نویسد: "تعهد" کارگر-صاحبان" به تعاونیها و تعاون هنوز بالنسبه قوی است. اما به نظر می رسد این تعهد رو به افول است، خاصه در کارگران جدید عضو تعاونیها، و تا حدودی در برخی بخشهای کارگران، که به "گارد قدیم" تعاونیها تعلق دارند".

با این حال، پیش از آن که در این راستا پیشتر برویم، لازم است نگاهی دقیق تر به ساختار سازمانی موندراگون و برخی از مهمترین تحولات گروه تعاونیها در سه دهه گذشته بیانداریم.



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های در صنعت نفت مهم‌ترین و گسترده‌ترین اعتصاب کارگری طی ۴۳ سال بعد از انقلاب ۵۷ است. این اعتصاب که با فراخوان شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از ۲۹ تیر آغاز گردید، کارگران ده‌ها شرکت پیمانکاری فعال در صنعت نفت و پتروشیمی را در بر گرفته است. علاوه بر آن تعدادی از کارگران نیروگاه‌های برق و کارگران چند کارخانه صنعتی نیز تاکنون به این اعتصاب پیوسته‌اند.

مطالبات مهم اعلام شده کارگران اعتصابی در مقطع کنونی، افزایش پایه حداقل دستمزد به ۱۲ میلیون تومان و پرداخت منظم و به موقع آن، اجرای درست طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مرخصی نوبت کاری، تامین ایمنی و بهداشت محل‌های کار و استراحت گاه‌ها، لغو کار پیمانی و قانون ویژه مربوط به کار در مناطق آزاد است.

مطالبات درخواستی کارگران اعتصابی در واقع بخشی از مطالبات عمومی کل جنبش کارگری است که در صدها اعتصاب کارگری پیشین درخواست شده‌است و کارگران بسیاری به خاطر آن‌ها به انواع مجازات‌ها از اخراج تا زندان و شلاق محکوم شده‌اند.

اعتصاب کارگران پیمانی افزون بر این‌که مهم‌ترین رویداد کارگری بعد از انقلاب است، مهم‌ترین رویداد سیاسی-اجتماعی بعد از انتصابات ریاست جمهوری و برگماردن ابراهیم رئیسی مهره اصلح خامنه‌ای به این سمت و بیان بی‌اعتمادی کارگران نسبت به این انتصاب و وعده‌های معیشتی و "عدالتخواهانه" این مهره جنایتکار و سرسپرده خامنه‌ای و محافظه‌کاران افراطی و حامیان وی در اتاق بازرگانی است.

اعتصاب امید آفرین و نوید بخش کارگران پیمانی نه تنها با استقبال و حمایت وسیع کارگران و تشکل‌های کارگری از معلمان تا بازنشستگان قرار گرفته بلکه تشکل‌های دانشجویی، نهادهای مدنی و احزاب و سازمان‌های دمکراتیک بسیاری نیز تا کنون از آن حمایت کرده‌اند. حمایتی که اتحادیه‌های کارگری کشور های مختلف از اعتصاب کرده‌اند، از نظر وسعت کم نظیر است. موج گسترده حمایت‌ها در داخل و خارج از این اعتصاب در شرایطی جریان دارد که رسانه‌های داخلی حکومت به‌ندرت خبری از این اعتصاب و مطالبات کارگران منتشر می‌کنند و بعضاً نیز مسائل مربوط به آن را تحریف می‌کنند. هدف آن‌ها از بایکوت خبری اعتصاب جلوگیری از بازخورد اجتماعی اعتصاب در جامعه مملو از اعتراض و نارضایتی و وصل شدن اعتراضات کارگری با دیگر اعتراضات مردمی است. با این همه اما وجود رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های فارسی زبان متعدد تا حدود زیادی این بایکوت رسانه‌ای را کم اثر کرده‌اند.

اعتصاب کارگران در صنعت نفت که هم‌چنان منبع اصلی تامین درآمد کشور است تا حدود زیادی برای مسئولین غافلگیرانه بوده است و آن‌ها را دچار سراسیمگی کرده است. آن‌ها از ابعاد گسترده خشم و نارضایتی انباشته شده در



میان کارگران پیمانی بواسطه فشار، تبعیض و بی حقوقی و شرایط کاری نا امن و غیر بهداشتی که خود و کارفرمایان به آن‌ها تحمیل کرده‌اند، اطلاع داشتند اما فکر نمی‌کردند که با چنین اعتصاب گسترده و سازمان یافته‌ای مواجه شوند. زیرا با از میان برداشتن قوانین کار و برقراری بی قانونی و استفاده از قراردادهای موقت و سپردن حق اخراج به کارفرما و اعمال تفرقه و تبعیض و ایجاد محیط پلیسی و جلوگیری از تشکیل اتحادیه و سندیکا، تصور می‌کردند که امکان اعتصاب سراسری در صنعت نفت این شاه‌رگ حیاتی رژیم را از کارگران گرفته‌اند.

وقوع این اعتصاب درست در مقطع حساس انتصابات و دادن وعده‌های معیشتی ظاهراً عدالتخواهانه به کارگران و در هیاهوی تبلیغاتی فریبکارانه‌ای که زیر عنوان عدالت‌خواهی دارودسته‌ی محافظه‌کاران حامی رئیسی به راه انداخته‌بودند، در واقع تصورات آن‌ها را باطل کرد و پیشروترین بخش طبقه کارگر صنعتی نشان داد آگاه تر و با تجربه‌تر از آن است که فریب مانورهای فریبکارانه قدرتمندان حاکم را بخورد.

تداوم و طولانی شدن این اعتصاب خسارت و پیامدهایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیاری برای حکومت دارد. به‌همین خاطر آن‌ها مجبورند به سرعت برای پایان دادن به اعتصاب چاره‌ای بیندیشند. کوشش آن‌ها این است که مقدماتاً با تهدید کارگران به اخراج و زندان و دادن وعده‌های کاذب و ایجاد شکاف میان کارگران راحت تر اعتصاب را حتی المقدور بی نتیجه بگذارند و آن را در هم بشکنند. روحانی، زنگنه و کمیسیون انرژی مجلس در راستای همین هدف با در پیش گرفتن یک رویه دوگانه با دادن وعده افزایش دستمزد و اصلاح لایحه بودجه به‌عنوان مانع افزایش دستمزد به کارگران رسمی نفت، و رد درخواست‌های کارگران پیمانی و غیر رسمی تلاش دارند میان کارگران رسمی و غیر رسمی شکاف ایجاد کنند تا بتوانند راحت تر دست به سرکوب اعتصاب بزنند.

اظهارات بی‌شرمانه زنگنه پس از تشکیل کمیسیون انرژی مجلس که به دروغ خواسته‌های کارگران پیمانی را فراقانونی خواند، و سخنان پر تناقض و فریبکارانه روحانی در جلسه نهم تیر ماه دولت که در آن کارگران پیمانی را از کارگران رسمی جدا و خواسته‌های آن‌ها و رسیدگی به مطالبات کارگران پیمانی را به صاحبان شرکت‌های پیمانکاری و وزارت کار حواله داد، همگی موید توطئه مشترک نئولیبرال‌های دولتی و محافظه‌کاران مسلط بر مجلس برای سرکوب اعتصاب کارگران حق طلب پیمانی و پروژه‌های است. متأسفانه وجود انواع قراردادهای شغلی و برون‌سپاری کارهای صنعت نفت به شرکت‌های پیمانکار مختلف، وجود تبعیضات متعدد شغلی و مزدی، به مسئولین دولتی و مافیای مسلط بر صنعت نفت و پتروشیمی امکان می‌دهد با استفاده از این وسایل خیلی وقت‌ها به هدفشان برسند. اعمال تبعیضات قانونی میان گروه‌های شغلی یکی از شیوه‌های موثری است که دولت و کارفرمایان برای ایجاد تفرقه و همچنین سود افزایی از آن بهره می‌گیرند. تبعیض علاوه بر این‌که وسیله‌ای بسیار تحریک آمیز و مناقشه‌انگیز است، سود مضاعفی را نیز نصیب کارفرمایان می‌کند. هر گاه که حکومت می‌بیند

حول یک خواسته مشترک حرکتی شکل می‌گیرد که احتمال موفقیت آن می‌رود دست به‌کار می‌شود و با دادن امتیاز به عده محدودی و محروم کردن عده‌ی بزرگ دیگری از آن جلوگیری کند.

واقعیت این است که خواست‌های ۱۰۶ هزار کارگر پیمانی که زنگنه آن‌ها را برای فریب افکار عمومی و توجیه اعمال سرکوبگرانه دولت فراقانونی می‌خواند. کاملاً قانونی و دقیقاً به‌خاطر پایمال سازی حقوق اولیه کارگران توسط کارفرمایان و حمایت دولت و مجلس و دستگاه سرکوب از کارفرمایان قانون شکنی است که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها از آفازده‌ها و سرداران سپاه و بستگان مدیران دولتی هستند. با این همه این بار شرایط بگونه‌ای نیست که دولت



و کارفرمایان بتوانند بکلی خواسته‌های کارگران را بی‌پاسخ بگذارند. تا همین الان هم اگر دولت ناچار به پذیرش افزایش ۲۵ درصد به دستمزد کارگران رسمی شده است، بخاطر اعتصاب کارگران پیمانی است.

این حرکت بزرگ با آن‌که جنبه مطالباتی و صنفی دارد، اما با توجه به وزن سنگین این صنعت در اقتصاد کشور و حد آگاهی در این بخش از کارگران ایران با هر نتیجه‌ای هم که پایان گیرد مهر و نشان خود را بر روند تحولات سیاسی در مبارزه با جمهوری اسلامی و در رسیدن به آزادی و عدالت خواهد کوبید. همانگونه که خیزش‌های مردمی دی ۹۶ و آبان ۹۸ تأثیرات بسیار بزرگ خود را در رابطه جامعه و حکومت باقی گذاشتند و بدانگونه که حرکت مدنی تحریم انتخابات حکومت را باز هم بیشتر منفرد کرد، این اعتصاب بزرگ هم اثر خود را چه از نظر تقویت اعتماد به نفس در مردم و چه دستاوردهای عملی اش بر جای خواهد گذاشت. پیروزی‌های مبارزات متنوع مردم در اشکال متنوع علیه سیاست‌ها و نظام جمهوری اسلامی گشاینده افق و راه برای آزادی و عدالت اجتماعی است.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بار دیگر به کارگران شرکت کننده در اعتصاب سراسری نفت درود می‌فرستد و حمایت و همبستگی با کارگران مبارز و حق طلب را مورد تأکید قرار می‌دهد و برای کارگران در پیکار عدلخواهانه‌شان آرزوی پیروزی می‌کند. به نظر ما کارگران با حفظ همبستگی، تداوم و گسترش اعتصاب شان و کسب حمایت گروه‌های بیشتری از کارگران و دیگر مزدبگیران و گروه‌های عدالتخواه مردمی می‌توانند نقشه‌های سرکوبگرانه حکومت و کارفرمایان را بی اثر و آن‌ها را وادار به پذیرش خواسته‌های برحقشان نمایند.

پیروز باد اعتصاب شکوهمند کارگران پیمانی صنعت نفت!

هیئت سیاسی اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



خصوصی‌سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادها و واحدهای صنعتی کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های صنعت نفت و پتروشیمی در این هفته نیز با وجود همه تهدیدات آشکار و پنهان عوامل و نهادهای حکومتی همچنان تداوم یافت و با پیوستن تعداد دیگری از واحدهای صنعتی به آن در صدر رویدادهای مهم کشور باقی ماند. تا کنون حداقل ۷۱ واحد صنعتی با حدود ۶۰ هزار نفر کارگر و کارمند از چهار گوشه کشور به این اعتصاب پیوسته‌اند و موجی از حمایت‌های مردمی از این اعتصاب به راه افتاده که روز به روز خروشانتر می شود.

افزون بر کارگران و گروه‌های مزدبگیر و زحمتکش که با دل و جان از اعتصاب و مطالبات اعتصابیون حمایت کرده و می کنند، نهادهای مدنی، احزاب و نهادهای دمکراتیک، شماری از هنرمندان و نویسندگان، خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانب‌اختگان خیزش‌های دی و آبان، مادران پارک لاله و خانواده‌های جانب‌اختگان فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی ۶۷ و مادر ستار بهشتی، نیز به کارزار سراسری حمایت از کارگران اعتصابی برخاسته‌اند.

موج حمایت‌ها به رغم اعمال سانسور آنچنان بلند و همبستگی از اعتصابیون بقدری گسترده، عمیق و صمیمانه است، که نظیر آن در سالهای اخیر دیده نشده. همه به استثنای مستبدین و استثمارگران و باندهای مافیایی که بر صنعت نفت و پتروشیمی و ثروتهای ملی کشور چنگ انداخته‌اند و آنها را از آن خود نموده‌اند در تقلا هستند که به شکلی همبستگی و حمایت خود را از این اعتصاب نشان دهند. اتحادیه‌های کارگری بسیاری از کشورهای مختلف نیز به حمایت از کارگران اعتصابی و مطالبات حق طلبانه آنها برخاسته‌اند و موج پیام‌های همبستگی است که از طرف آنها بسوی اعتصابیون روان است. وجود همین حمایت‌ها و ترس از افکار عمومی تا کنون باعث کند شدن چرخ ماشین سرکوب گردیده و مقامات دولتی را مجبور به عقب نشینی‌های معینی در مقابل برخی خواسته‌های اعتصابیون از آن جمله افزایش ۲۵ درصد به دستمزد کارکنان رسمی نموده است. در عین حال بساط تهدید و اخراج و جنگ روانی علیه کارگران و مطالبات بر حق آنها برای بی نتیجه گذاشتن اعتصاب و فریب افکار عمومی گسترده است و مقاومت کارگران با وجود همه تهدیدات محکم و استوار همچون روز آغاز اعتصاب بجای خود باقی است. حمایت‌های گسترده مردمی فوق‌الذکر قطعا در مقاومت و استواری اعتصابیون نقش غیر قابل انکاری دارد. حفظ این حمایت‌ها و مقابله اندیشمندانه رهبری اعتصاب با تلاش‌های تفرقه افکنانه دولت، کارفرمایان،



مجلس و دیگر نهادهای حکومتی مدافع مافیای حاکم بر صنعت نفت و پتروشیمی و پروگاندای حکومتی و استفاده مناسب از همه حمایت‌های مردمی در کامیابی و موفقیت کارگران اهمیت اساسی دارد.

تجمع بازنشستگان شرکت واحد اتوبوسرانی مقابل اداره مرکزی شرکت

بازنشستگان شرکت واحد که مدت‌ها بعد از بازنشسته شدن بخشی از حق و حقوق شان را به آنها پرداخت نکرده و تا کنون آنها را سردوانده‌اند، در ۹ تیر با تجمع در مقابل اداره مرکزی این شرکت نسبت به تعطیل مدیریت شرکت در پرداخت مطالبات شان اعتراض و خواستار پرداخت کامل حق سنوات، پرداخت ۴ درصد حق بیمه مربوط به کارهای سخت و زیان آور، پرداخت ۶ درصد حق کارگران از صندوق ذخیره کارکنان شهرداری تهران، شدند. این تجمع باعث شد تا "محمود ترفع" مدیر عامل شرکت واحد به بر حق بودن اعتراض بازنشستگان که شمار آنها ۸۰۰ نفر اعلام شده اذعان نماید و به معترضین قول پرداخت بدهی های باقی مانده‌شان را بدهد. گفتنی است که ذخیره صندوق های مالی و بازنشستگی و پس انداز از آنجا که به دلیل عدم کنترل آنها توسط سندیکاهای کارگری همواره مورد سوء استفاده قرار می گیرند قادر به انجام به موقع تعهدات شان به اعضای صندوقها نمی شوند. مواععی نیز مدیران و صاحبان شرکتهای اساسا از پرداخت منظم سهم خود به تامین اجتماعی امتناع نموده و هنگام بازنشستگی برای کارگران مشکل ایجاد می کنند. همین وضعیت باعث صدها اعتراض از این نوع در نقاط مختلف کشور گردیده است. بهمین جهت لازم و مهم است که کارگران در هنگام اشتغال و قبل از رسیدن به بازنشستگی با به دست گرفتن مدیریت صندوقهای خاص خود از اندوخته صندوق ها مراقبت کنند تا از دست اندازی مدیران فاسد و کارفرمایان مصون بمانند.

کارگران خدمات شهرداری اعتصاب کردند، شهر پر از زباله شد

کارگران بخش خدمات شهرداری بیچار از روز یکشنبه این هفته در اعتراض به پرداخت نکردن مطالبات مزدی سه ماه اخیر شان و حق اضافه کاری ۱۰ ماه گذشته دست از کار کشیدند. در اثر اعتصاب ۵۰ کارگر شهرداری زباله ها روی دست مردم ماند و شهر پر از زباله شد. از نتیجه این اعتصاب گزارشی هنوز منتشر نشده است.

کشته و مجروح شدن ۵ کارگر در مس سرچشمه

حوادث ناشی از کار همچنان در حال افزایش اند و چون عوامل حوادث با وجود شناخته شدن توسط مسئولین دولتی و کارفرمایان رفع نمی شوند شمار این حوادث و قربانیان آن به سیر صعودی خود که از سه دهه پیش شروع شده ادامه دارد. این در حالی است که اخبار بسیاری از این حوادث نه در اختیار رسانه ها قرار داده می شود و نه در جایی ثبت می شود. در این هفته نیز تنها در اثر دو حادثه شغلی که در مجتمع مس سرچشمه به وقوع پیوست پنج کارگر کشته و مجروح شدند. افزون بر آن دو کارگر دیگر نیز در شیراز و یکی از روستاهای استان فارس به طرز دلخراشی در اثر سقوط از بالابر و افتادن در ماشین سنگ شکن کشته شدند. مهمترین علل وقوع و تکرار این حوادث صرفه جویی و خساست در ایمن سازی محل ها و ابزارآلات کار و نبود نظارت کافی در غیاب سندیکاهای کارگری و همچنین آسودگی خیال متخلفین از پیگرد قضایی است.

مجازات کارگران لاستیک پارس ساوه به دلیل درخواست پرداخت بدهی کارفرما!



درب کارخانه لاستیک سازی ساوه که به دلیل درخواست کارگران از صاحب کارخانه برای پرداخت بدهی اش به کارگران در هفته گذشته به دستور کارفرما بسته شده بود، در سه شنبه این هفته دوباره به روی کارگران باز شد. با این حال کارفرما از ورود عده‌ای از کارگران که در اعتراض هفته گذشته شرکت کرده بودند به بهانه تمام شدن زمان قراردادهای آنها جلوگیری کرد. این در حالی است که این کارگران هر کدام سالها سابقه کار در این کارخانه را دارند و به واقع انعقاد قرار داد موقت با آنها که ماهیت شغل شان مستمر است خلاف قانون کار محسوب می شود. اما بهر حال از نعمت سر دولت اسلامی و دیوان عدالت اداری کارفرما مجاز است با استناد به دادنامه ها و بخشنامه های فرا قانونی هر وقت به هر دلیل که خواست کارگر را ولو به دلیل درخواست طلب مزدی اش با هر سابقه‌ای که داشته باشد از کار اخراج و درب کارخانه را به روی کارگر ببندد!

تجمع استادان دانشگاه آزاد مقابل مجلس با خواست همسان سازی و افزایش حقوق

تنها کارگران و معلمان و دیگر گروه های مزدبگیر نیستند که به علت افزایش هزینه‌های زندگی و دستمزد های زیر خط فقر در رژیم "عدل اسلامی" به اعتصاب و اعتراض بلند می شوند. استادان دانشگاه ها که ظاهرا بایستی درآمد مکفی داشته باشند نیز این روزها در اثر نامکفی بودن حقوق هایشان و فشارهای معیشتی فزاینده به جمع سایر مزد و حقوق بگیران پیوسته و خواستار افزایش حقوق های زیر خط فقر خود هستند. به نوشته خبرگزاری ایلنا هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی نیز در نهم تیر با تجمع در مقابل مجلس نارضایتی خود را از عملکرد این دانشگاه اعلام کردند. علت نارضایتی استادان معترض آنطور که در گزارش آمده: "همسان سازی حقوق خود با اعضای هیات علمی دانشگاه های دولتی، رسیدگی به چرایی عدم پوشش کامل قانون کار برای کارکنان و اعضای هیات علمی، تعیین و تکلیف ۳ درصد بیمه بیکاری، رسیدگی به مسئله بازنشستگی پیش از موعد اعضای هیات علمی، ... هستند."

به گفته استادان هیات علمی دانشگاه آزاد حقوق ماهانه آنها ۴ میلیون تومان و نصف حقوق همکاران آنها در دانشگاه های دولتی است.

تجمع اعتراضی کارکنان قرار دادی معین هلدینگ خلیج فارس دربندر ماهشهر

کارکنان مدت معین شرکت های زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس در اعتراض به سیاست های مدیران هلدینگ و اجرا نشدن قوانین مصوب برای بهبود معیشت و حقوق خود در ورودی سایت یک منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی دست به تجمع زدند.

۱۰ تیر ماه ۱۴۰۰

منبع کانال تلگرامی سندیکای نیشکر هفت تپه

پشتیبانی ۱۲ تشکل صنفی از کمپین ۱۴۰۰ کارگران نفت ، گاز و پتروشیمی

اعتصاب سراسری، متحد و نیرومند کارگران پروژه ای و پیمانکاری صنایع نفت و پتروشیمی محصول مطالبات و اراده مشترک آنها برای دستیابی به خواست هایشان، همچنین به میدان آمدن کارگران رسمی و اعلام پشتیبانی از خواست های مشترک همدیگر، همچون سیل خروشان به راه افتاده و پرتوان ادامه دارد.



این اعتصاب بزرگ کارگری ناشی از شرایط بسیار بد محیط های کار در صنایع نفت و گاز و همچنین حقوق و دستمزد ناچیز می باشد که شرایط را برای کارگران پروژه های و پیمانکاری نفت و پتروشیمی در سراسر کشور بسیار غیرقابل تحمل کرده است، در عین حال بیانگر اتحاد و همبستگی این کارگران و نوید بخش اتحاد وسیع تر کارگران مزدی در کارخانه ها، معادن، کارگاه های ساختمانی، حمل و نقل، بندرها، کارکنان بخش های مختلف آموزش و بهداشت، کارگران شرکت های کشت و صنعت و غیره در دیگر مناطق است. این اتحاد و همبستگی الگویی برای همه کارگران است و در این نبرد طبقاتی، همه کارگران باید از حرکت وسیع، مستقل و اراده راسخ کارگران پروژه های و پیمانکاری درس بگیرند.

بخشی از خواست های کارگران شاغل در صنایع نفت و پتروشیمی مربوط به شرایط شغلی ویژه آنها و همچنین اعتراض به شرکتهای پیمانکاری ای است که استثمار کارگران را در این صنایع مضاعف کرده اند اما دیگر خواسته های کارگران اعتصابی خواست مشترک همه کارگران در سراسر کشور است مانند اینکه حداقل دستمزد نباید از ۱۲ میلیون تومان کمتر باشد، حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری، منع اخراج، حق اعتراض و اعتصاب، پرداخت بموقع مزدها، بهبود شرایط کار و محیط کار، برقراری استانداردهای لازم بهداشتی، ایمنی و غیره، و.

کارگران اعتصابی پروژه های و پیمانکاری صنایع نفت و پتروشیمی!

همانگونه که شما به درستی متوجه شده اید برای مبارزه با شرکتهای پیمانکاری، قراردادهای موقت و دستمزدهای ناچیز و دیگر مطالباتمان بیش از هر چیز ما کارگران باید متحدانه و سراسری عمل کنیم و همچنین نیازمند به تشکل هستیم. تنها با اتحاد و همبستگی همانند شما می توانیم قدمی برای دستیابی به سمت مطالبات مان برداریم. ما ضمن ابراز گرم ترین درودها و فشردن صمیمانه دستانتان، از تجارب شما در این اعتصاب برای پیشبرد بهتر مبارزاتمان بهره خواهیم گرفت.

ایجاد سندیکاها و سایر تشکلات مستقل کارگری، اتحاد و ارتباط میان کارکنان واحدها و مناطق مختلف و وحدت و همبستگی با کارگران رسمی و هوشیاری در مبارزه و شناخت از ترفندهای کارفرما و نهادهای قدرت و همچنین تلاش برای ایجاد صندوق همیاری (کمک به کارگران اعتصابی و خانواده های آسیب پذیر)، ضرورتی مبرم در استمرار این مبارزه می باشد.

ما از همه کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، هنرمندان، خبرنگاران و از همه زنان و مردان زحمتکش و شرافتمند جامعه می خواهیم از این حرکت کارگری حق طلبانه پشتیبانی کنند و کارگران اعتصابی را برای دستیابی به خواست هایشان که خواست همه کارگران است، بی دریغ یاری نمایند.

پرتوان باد سیل خروشان مبارزات کارگران برای دستیابی به حقوق و خواست های بحقشان!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران!

۶/ تیر / ۱۴۰۰

امضاها:



- ۱- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
 - ۲- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حو
 - ۳- گروه اتحاد بازنشستگان
 - ۴- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
 - ۵- کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر
 - ۶- اتحاد بازنشستگان
 - ۷- کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز
 - ۸- انجمن صنفی فرهنگیان کردستان (سقز و زیویه)
 - ۹- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری
 - ۱۰- کانون صنفی فرهنگیان گیلان
 - ۱۱- کانون صنفی معلمان تهران (دربیانیه ای مستقل)
 12. انجمن صنفی فرهنگیان کردستان / مریوان (بیانیه ی مستقل)
- یکشنبه ۶/تیر/۱۴۰۰
کانال شورای هماهنگی

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را

تامین کند!